

روش‌ها و اصول زدودن ناهنجاری‌های اخلاقی در سیره رضوی

_____ سیدابوالقاسم موسوی^۱ - دکتر محمد رضا جواهری^۲ - دکتر ایوب اکرمی^۳ _____

چکیده

بحث از تربیت اخلاقی، جنبه‌های مختلفی دارد که هر کدام می‌تواند موضوع یک رساله یا کتاب مستقل قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین این‌ها، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی است. این اصول و روش‌ها را براساس سیره امام رضا (ع) می‌توان به سه بخش زمینه‌ای، ایجاد و برطرف‌کننده تقسیم کرد. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، به تبیین اصول و روش‌های زدودن ناهنجاری‌های اخلاقی براساس سیره و سخنان حضرت رضا (ع) پرداخته است. اصول و روش‌هایی؛ مانند: تأکید بر عقل‌گرایی و عقلانیت، توجه به اصل تأثیر وضعی اعمال و رفتار بر خود انسان، هشدار نسبت به پیامدهای نامطلوب رفتارهای غیر اخلاقی، به کارگیری قدرت بازدارندگی و اثرگذار مرگ، صبر و مدارا و امیدبخشی با تأکید بر توبه، مهم‌ترین اصول و روش‌های قابل برداشت از سیره امام رضا (ع) در زدودن ناهنجاری‌های اخلاقی است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (ع)، تربیت، اخلاق، روش‌های تربیتی امام رضا (ع)، ناهنجاری‌های اخلاقی، عقل‌گرایی.

۱. دانشجوی دکتری مدرّسی معارف دانشگاه فردوسی مشهد: ghasemmosavi23@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) javaheri@ferdowsi.um.ac.ir

۳. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد akrami-a.um.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۱ - پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۵

مقدمه

اهمیت تربیت اخلاقی، تابع خود اخلاق بوده، و قلمرو و اهمیت آن محدود به ارزش‌های اخلاقی است. به عبارت دیگر، تبیین جایگاه و اهمیت تربیت اخلاقی در سیره امام رضا علیه السلام از گذر تبیین جایگاه و ارزش اخلاق، امکان پذیر خواهد بود. در نگرش اسلامی، اخلاق بخش مهمی از حیات آدمی است. تخلق به اخلاق نیکو، یکی از شرایط لازم برای رسیدن به کمال است. انسان‌ها به سبب برخورداری از اخلاق نیکو به سعادت دست می‌یابند و با دور شدن از آن، گرفتار شقاوت می‌گردند. امام رضا علیه السلام در این باره به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «عَلَيْكُمْ بِحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ فِي الْحَيَاةِ لَا مُحَالَاتَةَ وَ إِيَّاكُمْ وَ سُوءَ الْخُلُقِ فَإِنَّ سَيِّئَ الْخُلُقِ فِي النَّارِ لَا مُحَالَاتَةَ» (امام هشتم علیه السلام، ۸۸: ۱۴۰۶؛ ابن بابویه، ۳۱/۲: ۱۳۷۸)؛ خلق نیکورا از دست ندهید؛ زیرا آن که دارای اخلاق نیکوست، جایگاهش بهشت می‌باشد؛ و از خوی بد دوری کنید؛ چرا که جایگاه انسان بد اخلاق، دوزخ است.

تخلق به اخلاق نیکو، تنها فایده شخصی ندارد؛ بلکه یکی از ضرورت‌های اجتماعی نیز به شمار می‌رود. رشد رفتارهای اخلاقی در جامعه، باعث افزایش معنادار حاکمیت قانون و قانون‌گرایی می‌گردد. انسان‌های اخلاق‌مدار همواره خود را در برابر رعایت حقوق دیگران مسئول می‌دانند و می‌کوشند تا هیچ حقی را پایمال نکنند. آنان نخست به وظیفه خود توجه می‌نمایند؛ یعنی دغدغه اصلی آنان انجام وظیفه است. چنین جامعه‌ای، وظیفه‌محور است. بی‌تردید اگر همگان در وهله نخست در پی انجام وظیفه باشند، به راحتی حقوق هر کس نیز استیفا خواهد شد. از سوی دیگر، قانون‌گرایی و افزایش آن در حوزه‌های مختلف همچون بالا رفتن امنیت اجتماعی، رشد معیارهای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و افزایش آرامش روانی و... اثرگذار است.

شاید گفته شود، با وضع قوانین سخت‌گیرانه و نظارت‌های مداوم می‌توان قانون را حاکم کرد، اما باید توجه داشت که اخلاق در این جایگاه به عنوان پشتوانه قانون در نظر

گرفته شده، و به عبارت دیگر، مطلوب آن است که انسان‌ها از درون، پایبندی خود را به رعایت امور اخلاقی نشان دهند؛ زیرا رعایت اخلاق به صورت درونی و خودجوش، هم‌همیشگی است و هم باعث تلطیف فضای جامعه می‌گردد؛ به همین دلیل حضرت رضا علیه السلام فرمود: «لَا عَيْشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ» (منسوب به امام هشتم علیه السلام، ۱۴۰۶: ۳۵۶؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۴/۸)؛ هیچ زیستی، گواراتراز اخلاق نیکو نیست.

گرچه اخلاق، گستره‌ای فراخ‌تر از خوش‌خُلُقی دارد، اما بی‌تردید بارزترین نمود آن را می‌توان در خلق خوش یافت. تأکید بسیار پیشوایان معصوم علیهم السلام بر خُلق نیکورا می‌توان ناظر به اهمیت و نمود آشکار آن دانست. امام رضا علیه السلام در این باره به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «... إِنَّ جَبْرِئِيلَ الرُّوحَ الْأَمِينَ نَزَلَ عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ عَلَيْكَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّهُ ذَهَبَ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَلَا وَإِنَّ أَشْبَهَكُمْ بِي أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۵۰/۲)؛ ... جبرئیل از سوی پروردگار دو جهان بر من نازل شد و گفت: ای محمد! بر توباد به رعایت حُسن خُلق که تمام خیر دنیا و آخرت در آن است و آگاه باشید که شبیه‌ترین شما به من، خوش‌اخلاق‌ترین شماست.

همچنین به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الْمُؤْمِنُ هَيِّنٌ لَيِّنٌ سَمِخٌ لَهُ خُلُقٌ حَسَنٌ...» (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۶۶؛ ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰: ۱۷۲/۲)؛ مؤمن: آسان‌گیر، نرم‌خو، بخشنده و خوش‌اخلاق است... در این روایت، اخلاق نیکواز ویژگی‌های مؤمن دانسته شده است. بر این اساس می‌توان گفت، همچنان‌که بدون داشتن باورهای درست، ایمان کامل و بایسته تحقق نمی‌یابد، بی‌برخورداری از ویژگی‌های اخلاقی نیز ایمان و مؤمن شایسته معنا ندارد. این مطلب به خوبی از اهمیت و جایگاه والای اخلاق حکایت دارد و نیز تنها به خوش‌حالی اختصاص نمی‌یابد، بلکه همه ویژگی‌های اخلاقی دیگر را نیز دربر می‌گیرد.

پژوهش حاضر با مطالعه در سیره امام رضا علیه السلام در صدد پاسخ‌گویی به این مسئله است که با چه اصول و روش‌هایی می‌توان ناهنجاری‌های اخلاقی را از بین برد؟ تا آنجا که

نگارنده می‌داند، در این باره پژوهشی مستقل صورت نگرفته و کتاب یا مقاله‌ای نگارش نیافته است.

مفهوم‌شناسی

۱. اخلاق

اخلاق از ریشه «خُلِقَ» گرفته شده که به معنای «سجیه» است. به عبارت دیگر، به ویژگی‌های باطنی انسان اطلاق می‌شود، چه این ویژگی‌ها مربوط به طبیعت انسان باشد و چه مربوط به نفس او، هر چند بیشتر برای نفس به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰/۸۷). نویسنده *التحقیق* نیز اصطلح معنایی آن را نیرو و ویژگی‌های باطنی دانسته است (مصطفوی، ۱۴۲۶: ۳/۱۱۷). این معنا در برابر واژه «خُلِقَ» قرار دارد که نمایانگر ویژگی‌های ظاهری است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۷). طریحی با اشاره به مطالب گفته شده، این نکته را نیز افزوده که «خُلِقَ» کیفیت و ویژگی نفسانی است که با وجود آن، فرد کارها را به راحتی انجام می‌دهد (طریحی، ۱۴۱۶: ۵/۱۵۷). مرحوم فیض کاشانی نیز خلق را چنین تعریف کرده است: «صفات و ویژگی‌های پایدار در نفس که موجب می‌شوند کارهایی متناسب با آن صفات، به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل، از انسان صادر شود» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ۵/۹۵). با توجه به این تعریف که رایج‌ترین معنای اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی محسوب می‌شود، اخلاق دارای سه عنصر است که عبارت‌اند از: ۱. صفت نفسانی بودن؛ ۲. پایدار و راسخ بودن؛ ۳. بدون اعمال فکر و تأمل بودن.

مسلمانان علم اخلاق را علمی دانسته‌اند که به بحث از خُلُقیات و ویژگی‌های درونی انسان می‌پردازد. خواجه نصیر طوسی در تعریف علم اخلاق گفته است: «علمی است به آنکه نفس انسانی چگونه خُلُق‌ی اکتساب تواند کرد که جملگی احوال و افعال که به اراده او از او صادر شود، جمیل و محمود بود» (طوسی، ۱۴۱۳: ۱۴). ابن مسکویه و ملامهدی

نراقی نیز چنین تعریف کرده‌اند: علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد، و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد (ابن مسکویه، ۱۴۲۲: ۲۷؛ نراقی، ۱۴۰۸: ۲۶-۲۷). براین اساس، در علم اخلاق، دو هدف اصلی دنبال می‌شود: نخست بیان صفات نیکو و زشت است؛ به عبارت دیگر، بیان مصداق‌های صفات نیکو و زشت. هدف دوم، بیان چگونگی متصف شدن به صفات نیکو و دور ماندن از صفات زشت و ناشایست.

۲. تربیت اخلاقی

متأثر از تعاریف مختلف اخلاق، تربیت اخلاقی نیز تعریف‌های کم و بیش متفاوتی پیدا کرده است. برخی آن را مناظر با مفهوم حقیقت انسان کامل و ارزش‌ها تعریف کرده‌اند: «تربیت اخلاقی فرایند درونی سازی ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری شخصیت انسان براساس ویژگی‌های انسان کامل است. این نوع تربیت مسیرگذار از وضعیت موجود به سوی قله کمال را می‌گشاید و آدمی را چنان راه می‌برد تا سیمای آرمانی انسان اخلاقی را در لوح وجود خویش، نقش کند» (علی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۲).

در این تعریف، تربیت اخلاقی، بخشی از دانش اخلاق دانسته نشده، بلکه به گونه‌ای قسیم آن به شمار رفته است. از این رو، هر کدام هدف متفاوت و کار ویژه مخصوص به خود را دارد. در واقع، اخلاق، مقصد و غایت حرکت انسان را می‌نمایاند و تربیت اخلاقی، قواعد حرکت انسان را به سوی هدف نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، اخلاق، پرسش از ماهیت ارزش‌ها و تربیت، پرسش از کیفیت دستیابی به آن‌ها را پاسخ می‌دهد (علی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۲). همچنین در این تعریف، ارزش و هنجار، یکی دانسته شده است، در حالی که در خارج و عینیت این دو می‌توانند با یکدیگر متفاوت باشند.

در نگرشی دیگر، تلاش شده است تا با نگاهی واقع‌گرا تربیت اخلاقی تعریف گردد:

«تعلیم و تربیت اخلاقی و ارزشی به آنچه که مدارس و دیگر نهادهای آموزشی برای کمک به افراد، جهت تفکر پیرامون مسائل مربوط به درست و نادرست امور و در پی آن تمایل به سمت خوب بودن اجتماعی و نیز کمک به آن‌ها جهت رفتار به روش و منش اخلاقی و ارزشی انجام می‌دهند، اطلاق می‌شود» (سجادی، ۱۳۷۹: ۱۴۸).

در این تعریف، حوزه‌های مختلف اخلاق، فلسفه اخلاق و تربیت اخلاقی در کنار هم قرار گرفته‌اند و به گونه‌ای از آن‌ها یاد شده است که گویی تربیت اخلاقی، عمومیت دارد و هم دانش اخلاق را در بر می‌گیرد و هم فلسفه اخلاق را، اما به نظر می‌رسد علاوه بر پیچیدگی، مانع اغیار هم نیست.

تعریف‌های دیگری نیز برای تربیت اخلاقی ارائه شده است؛ از جمله این دو تعریف: «پرورش کودک بر اساس اصول اخلاقی از راه ایجاد احساس و بصیرت اخلاقی، به گونه‌ای که پذیرای خوبی‌ها و طردکننده بدی‌ها باشد» (یالجن، ۱۴۰۶: ۲۹۶). «مجموعه‌ای از اصول و فضایل رفتاری و وجدانی که باید طفل آن‌ها را بپذیرد و کسب کند و به آن‌ها عادت نماید» (علوان، ۱۴۱۸: ۱۶۷/۱).

تعریف برگزیده تربیت اخلاقی از این قرار است: «فرایندی که با هدف ایجاد رفتار اخلاقی در مخاطبان، و شکوفایی و به کمال رساندن آن‌ها صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، مجموعه اقداماتی است که مربی برای شکل دهی شخصیت اخلاقی و ایجاد التزام درونی نسبت به رعایت رفتارهای اخلاقی در مرتبه انجام می‌دهد».

۳. ناهنجاری‌های اخلاقی

هنجار در زبان پارسی به معنای راه و روش، طریق و طرز و قاعده و قانون است. (لغت‌نامه دهخدا، بی تا: ۳۵/۳۰۸). در گذشته در معنای جاده و راه نیز به کار رفته است (فرهنگ عمید، ۱۳۷۶: ۲/۱۹۷۹) برابر انگلیسی آن واژه norm است که در معنای آن گفته‌اند: معیار یا روش پذیرفته شده در کار که بیشتر مردم با آن موافق‌اند (باقری، ۱۳۹۳:

۵۲). بنابراین می‌توان گفت که «هنجار» قاعده یا معیاری است که رفتار افراد با آن سنجیده می‌شود. اگر موافق بود بهنجار و الا نابهنجار تلقی می‌گردد (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ۱۷۶)؛ از این رو می‌توان گفت اصل واحد معنایی این واژه همان معیار و اندازه است با این ویژگی که از سوی اکثر مردمان (عرف عام یا خاص) پذیرفته شده باشد. بنابراین هنجار اخلاقی مجموعه‌ای از معیارهای ارزشی مثبت یا منفی پذیرفته شده در یک نظام اخلاقی است. رفتارهای موافق این معیارها، هنجار اخلاقی و غیرموافق با آن‌ها، ناهنجاری اخلاقی است. البته واضح است که هنجارها و در مقابل ناهنجاری‌های اخلاقی، تابع نظام اخلاقی برآمده از آن هستند.

اصول و روش‌های زدودن ناهنجاری‌های اخلاقی

در این مجال به اختصار به مهم‌ترین روش‌های زدودن ناهنجاری‌های اخلاقی براساس سیره امام رضا علیه السلام پرداخته می‌شود.

۱. تأکید بر عقل‌گرایی و عقلانیت

یکی از اصول و روش‌هایی که می‌توان از سیره تربیتی حضرت رضا علیه السلام به دست آورد، تأکید بر عقل‌گرایی و زیست‌عقلانی است. مراد از عقلانی و عقل‌گرایی، زندگی براساس یقینیات است. به عبارت دیگر، در تمام انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، باورهای یقینی اصل و مرجع قرار گیرند. سخن معروف امام رضا علیه السلام در این باره قابل توجه است: «صَدِيقُ كَلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ» (برقی، ۱۳۷۱: ۱۹۴/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱/۱)؛ دوست هر کس، عقل او و دشمنش، جهل اوست. براساس این روایت، انسان عاقل کاری انجام نمی‌دهد که در آن ضرری نهفته باشد، همچنان‌که دوست انسان هیچ‌گاه نمی‌خواهد به او ضرری وارد گردد.

لازمه زندگی عقلانی، عمل براساس یقین است. البته ممکن است در وهله نخست، این مسئله بدیهی به نظر برسد، اما واقعیت این است که بسیاری چنین نمی‌کنند و بیشتر

تصمیم‌ها و انتخاب‌ها براساس یقین شکل نگرفته است. در واقع، همه باید پیش از انجام هر کاری فایده یا ضرر احتمالی آن را در نظر بگیرند و تنها کارهایی را انجام دهند که به صورت یقینی برای آن‌ها فایده‌مند است. البته فایده‌مندی می‌تواند دو گستره دنیوی و اخروی را شامل شود. فایده دنیوی نیز می‌تواند به دو بخش واقعی و ظاهری تقسیم شود. حال باید با معیارهای مختلف، میزان این فایده‌مندی را سنجید و تنها در صورتی که به یقینی اطمینان بخش رسیدیم، اقدام کنیم. بی‌تردید در تعارض فایده دنیوی و اخروی، اصالت از آن اخروی است و در بین فایده ظاهری و واقعی نیز فایده واقعی مقدم می‌باشد. حال در صورت به‌کارگیری این روش، خواهیم دید که بسیاری از رفتارهای اخلاقی، نه تنها فایده‌ای دربر ندارد که مضر نیز هستند. بنابراین، لازمه عقل‌گرایی، ترک این گونه کارهاست. در روایتی دیگر، امام علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «رَأْسُ الْعُقْلِ بَعْدَ الدِّينِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ وَ اضْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَ فَاجِرٍ» (امام هشتم علیه السلام، ۱۴۰۶: ۵۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۳۷)؛ اصل و اساس عقلانیت پس از دین، مهربانی با مردم و روا داشتن خیر و خوبی به آن‌هاست، چه شایسته باشند و چه ناشایست و بدکار.

نکته قابل توجه در این حدیث، آن است که امام علیه السلام فرمود: بالاترین مرتبه عقلانیت پس از دین داری، مهربانی با مردم و خیررسانی به آن‌هاست؛ این، یعنی دین‌داری، امری عقلانی است و اگر انسان‌ها عاقلانه و مبتنی بر یقین انتخاب کنند، بی‌تردید دین‌دار خواهند بود. این مهم در باره کسانی که گرفتار ذایل اخلاقی‌اند نیز صدق می‌کند و ایشان با سرلوحه قرار دادن عقلانیت، از کارهای ناشایست خود، دست خواهند کشید.

۲. توجه به اصل تأثیر وضعی اعمال و رفتار بر خود انسان

یکی دیگر از اصول و روش‌های تربیت اخلاقی مهم در سیره امام رضا علیه السلام توجه دادن به اصل بازگشت رفتارها و کارها به خویشتن است. بیشتر انسان‌ها هنگام انجام دادن کاری، بیشتر به تأثیر مستقیم آن در زندگی‌شان توجه دارند، و از اثر آن بر دیگران و بازخورد غیر

مستقیم آن نسبت به خود، غافل‌اند.

قرآن کریم با صراحت به این اصل پرداخته است: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا...» (اسراء/۷)؛ اگر نیکی کنید، به خود نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید، به خود بد کرده‌اید.

بخش نخست آیه در ظاهر، امری آشکار و قابل پذیرش است. اینکه اگر به دیگران نیکی کنیم، گویا به خود نیکی کرده‌ایم، برای همگان قابل فهم است، اما بخش دوم آن شاید برای برخی قابل فهم نباشد؛ از این رو، نیازمند تحلیل و توضیح بیشتر است. به همین دلیل امام رضا علیه السلام در توضیح این آیه فرمودند: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا رَبُّ يَعْفُرُ لَهَا» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۷۳)؛ اگر کار نیکی کنید، به خود نیکی کرده‌اید و اگر بد کردید، به خود بد کرده‌اید، البته نفس شما پروردگاری دارد که او را می‌بخشاید. اگر افراد این حقیقت را باور کنند و یقین یابند که نتیجه کارهای آنان به خود آنان بازمی‌گردد، همواره خواهند کوشید که کارهای نیکو و شایسته انجام دهند و از کارهای نادرست و خلاف اخلاق چشم‌پوشند. برای بازگشت نتیجه کار به فاعل آن، دست‌کم می‌توان دو تبیین ارائه نمود:

نخست تبیین مادی؛ به اینکه جهان طبیعت و دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، محدود است. در جهان محدود، تضاد و تعارض بسیار رخ می‌دهد. در موارد بسیار دیده شده که کسی کاری را انجام داده، اما به دلیل محدودیت‌ها اثر آن (فایده یا ضرر) به دیگری رسیده است. بنابراین، این احتمال وجود دارد که اگر ما نیز کاری را انجام دهیم، به ویژه کارهای نادرست و به اصطلاح غیراخلاقی، دیگری را دچار مشکل کنیم یا در دشواری‌های به وجود آمده به وسیله دیگران، گرفتار آییم. بسیاری از دشواری‌های کنونی را که در سطح‌های مختلف فردی، اجتماعی، محلی، منطقه‌ای، کشوری یا حتی جهانی رخ داده است، باید از این قبیل دانست.

تبیین دوم، براساس باور به جهان آخرت شکل می‌گیرد. براساس باورهای مسلمانان

به ویژه شیعیان، انسان‌ها در جهان دیگر، نتیجه کارهایی را که در این جهان انجام داده‌اند، به صورت‌های گوناگون صواب و عقاب خواهند دید. بنابراین، برجسته‌سازی این اصل، نقش مهمی در تحقق رفتارهای اخلاقی خواهد داشت. البته شیوه‌ها، قالب‌ها و محتواها می‌توانند متناسب با شرایط فرهنگی و آگاهی‌های هر جامعه‌ای، متفاوت باشند.

۳. هشدار نسبت به پیامدهای نامطلوب رفتارهای غیر اخلاقی

روش تربیتی دیگری که می‌توان از سیره امام رضا علیه السلام برای تربیت اخلاقی استفاده کرد، توجه دادن به پیامدهای خطرناک و دشوار کارهای غیر اخلاقی است. حضرت رضا علیه السلام در موارد متعدد از این روش بهره گرفته‌اند؛ برای مثال امام رضا علیه السلام در این باره به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «... إِيَّاكُمْ وَ سَوْءَ الْخُلُقِ فَإِنَّ سَيِّئَ الْخُلُقِ فِي النَّارِ لَا مُحَالَءَ» (امام هشتم علیه السلام، ۱۴۰۶: ۸۸؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۳۱/۲)؛ ... از خوی بد دوری کنید؛ چرا که جایگاه انسان بد اخلاق، دوزخ است.

در روایتی دیگر، حضرت به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْخُلُقُ السَّيِّئُ يُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ» (امام هشتم، ۱۴۰۶: ۶۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۲/۲)؛ اخلاق بد، عمل را فاسد می‌کند، همچنان‌که سرکه عسل را فاسد می‌نماید. همچنین در روایتی دیگر، حضرت به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ بَهَتْ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَقَامَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ فِيهِ» (امام هشتم علیه السلام، ۱۴۰۶: ۴۹؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۳۳/۲)؛ کسی که به مؤمنی بهتان زند یا چیزی را در باره‌اش بگوید که در او نیست، خداوند او را بر تلی از آتش نگاه می‌دارد تا آنچه را درباره‌ او گفته، پس بگیرد.

این روش برای بسیاری از افرادی که در حوزه اخلاق، گرفتار دشواری‌ها و نابسامانی شده‌اند، اثرگذار است و می‌تواند آن‌ها را در خروج از وضعیت کنونی‌شان و ورود به جمع

کسانی که رفتارهای مثبت اخلاقی را تحقق می‌بخشند، یاری کند. البته آن‌گونه که پیش‌ترین اشاره کرده‌ایم، پیامدها و نیز نحوه اطلاع‌رسانی و بیان آنان نسبت به شرایط زمانی و مکانی، مختلف و متغیر می‌باشد. شاید برای برخی پیامدهای اخروی اهمیت داشته باشد و اثربیشتری بگذارد و برای بعضی نیز پیامدهای دنیوی؛ از این‌رو، تشخیص انتخاب پیامدها و شیوه بیان آن‌ها نیز دارای اهمیت است.

۴. به کارگیری قدرت بازدارندگی و اثرگذار مرگ

روش تربیتی اثرگذار دیگر در سیره امام رضا (علیه السلام) استفاده از ظرفیت حقیقت «مرگ» است. در میان بسیاری از چالش‌های پیش‌روی انسان، مرگ، بزرگ‌ترین و هراس‌انگیزترین و در عین حال، اسرارآمیزترین به‌شمار می‌رود. تا کنون راه فراری از مرگ یافت نشده؛ از این‌رو، همگان طعم آن را خواهند چشید. در عین حال، جهل نسبت به شرایط پس از مرگ از سویی، و توصیف‌های ادیان و مذاهب از آن و جهان پس از مرگ از سوی دیگر، آن‌را به بزرگ‌ترین ترس بشر نیز بدل کرده است.

البته ترس از مرگ می‌تواند ناشی از عوامل دیگری نیز باشد؛ مانند کرده‌های ناشایست و گناهان برای خدا باوران و معاد باوران و نیستی و نابودی برای منکران معاد؛ از این‌رو، این ترس برای بسیاری می‌تواند بازدارنده باشد. در فرهنگ اسلامی به این مسئله توجه زیادی شده است. قرآن کریم در آیات متعدد از این ظرفیت استفاده کرده؛ مانند: ﴿الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ (بقره/۲۴۳)؛ آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ، از خانه‌های خود فرار کردند؟ و آنان، هزارها نفر بودند (که به بهانه بیماری طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری کردند). خداوند به آن‌ها گفت: بمیرید! (و به همان بیماری، که آن‌را بهانه قرار داده بودند، مردند). سپس خدا آن‌ها را زنده کرد (و ماجرای زندگی آن‌ها را درس عبرتی برای آیندگان قرار داد). خداوند نسبت به بندگان خود

احسان می کند، ولی بیشتر مردم، شکر (اورا) به جا نمی آورند؛ ﴿الَّذِينَ قَالُوا لِلْإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أِطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (آل عمران / ۱۶۸)؛ (منافقان) آن ها هستند که به برادران خود، در حالی که از حمایت آن ها دست کشیده بودند، گفتند: «اگر آن ها از ما پیروی می کردند، کشته نمی شدند! بگو، «مگر شما می توانید مرگ افراد را پیش بینی کنید؟! پس مرگ را از خودتان دور سازید، اگر راست می گویند؛ ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ (آل عمران / ۱۸۵)؛ هرکسی مرگ را می چشد و شما پاداش خود را به طور کامل در روز قیامت خواهید گرفت، آن ها که از آتش (دوزخ) دور شده و به بهشت وارد شوند، نجات یافته و رستگار شده اند، و زندگی دنیا، چیزی جز سرمایه فریب نیست؛ ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ...﴾ (نساء / ۷۸)؛ هر جا باشید، مرگ شما را درمی یابد، هر چند در برج های محکم باشید؛ ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبَلَّوْكُمْ بِالْبَشْرِ وَالْخَيْرِ فَنُنَّهَ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ (انبیاء / ۳۵)؛ هر انسانی طعم مرگ را می چشد و شما را با بدی ها و خوبی ها آزمایش می کنیم و سرانجام به سوی ما بازگردانده می شوید؛ ﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ﴾ (مؤمنون / ۱۵)؛ سپس شما بعد از آن می میرید؛ ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ﴾ (مؤمنون / ۹۹)؛ (آن ها همچنان به راه غلط خود ادامه می دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می گوید: «پروردگارا من! مرا بازگردانید».

در تمام این آیات، با استناد به حتمی بودن مرگ و ناممکن بودن فرار از آن، نسبت به کارها و باورهای مختلف هشدار داده شده است.

این روش را امام رضا علیه السلام نیز به کار برده است. حضرت در روایتی به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَا الْإِسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ قَالَ أَدَاءُ الْفَرَائِضِ وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَالِاسْتِمْتَالُ عَلَى الْمَكَارِمِ ثُمَّ لَا يُبَالِي أَنْ وَقَعَ عَلَى الْمَوْتِ أَوْ الْمَوْتُ وَقَعَ عَلَيْهِ وَاللَّهِ لَا يُبَالِي ابْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنْ وَقَعَ عَلَى الْمَوْتِ أَوْ الْمَوْتُ وَقَعَ عَلَيْهِ» (ابن بابویه،

۱۳۷۶: ۱۱۰)؛ به امیرالمؤمنین علیه السلام گفته شد که آماده شدن برای مرگ به چیست؟ حضرت فرمود: انجام واجبات و ترک محرمات و فراگرفتن خوبی‌ها. در این صورت، تفاوت ندارد که او به سراغ مرگ رود یا مرگ به سراغ او بیاید. به خدا سوگند! برای پسر ابوطالب فرقی ندارد که او به سراغ مرگ رود یا مرگ به سراغ او آید.

در این روایت، با توجه به نگرانی‌ای که از مرگ وجود دارد، پرسش از چگونگی آماده بودن برای مرگ مطرح شده است که امام علیه السلام علاوه بر واجبات و ترک محرمات، از اشتغال بر مکارم نیز در کنار آن‌ها یاد کرده‌اند. مکارم را می‌توانیم به معنای هر خوبی؛ از جمله رفتارهای مثبت اخلاقی دانست.

یاد مرگ نیز باعث می‌شود تا انسان کارهای ناشایست را ترک کند و به کارهای نیک و شایسته رو آورد. حضرت رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده است: «قِيلَ لِلصَّادِقِ علیه السلام صِفَ لَنَا الْمَوْتُ قَالَ لِلْمُؤْمِنِ كَأَطْيَبِ رِيحٍ يَشْمُهُ فَيَنْعَسُ لِطَبِيبِهِ وَ يَنْقَطِعُ التَّعَبُ وَ الْأَلَمُ كُلُّهُ عَنْهُ وَ لِلْكَافِرِ كَلْسَعُ الْأَفَاعِي وَ لَدَغُ الْعَقَابِ وَ أَشَدُّ قَيْلَ فَإِنَّ قَوْمًا يَقُولُونَ إِنَّهُ أَشَدُّ مِنْ نَشْرِ الْمَنَاشِيرِ وَ قَرْضِ بِالْمَقَارِيضِ وَ رَضْخِ بِالْأَحْجَارِ وَ تَدْوِيرِ قُطْبِ الْأُجْحِيَةِ عَلَى الْأَحْدَاقِ قَالَ كَذَلِكَ هُوَ عَلَى بَعْضِ الْكَافِرِينَ وَ الْفَاجِرِينَ ...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۲۷۴)؛ مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد، مرگ را برایم توصیف کن! آن حضرت فرمود: مرگ برای مؤمن، همانند آن است که بهترین بوی خوش را استشمام کند و از خوبی‌اش خواب‌آلوده و سرمست گردد و هرگونه رنج و دردی از او برطرف شود، ولی برای کافر مانند نیش افعی و عقرب و حتی بدتر از آن‌هاست. یکی از حاضران عرض کرد: ما شنیده‌ایم گروهی می‌گویند: مرگ برای کافران، قطعه‌قطعه شدن به وسیله اژه و تکه‌تکه گردیدن با قیچی و خرد و شکسته گشتن به ضرب سنگ‌ها و به حرکت درآوردن سنگ‌های آسیا بر حلقه چشم‌هاست. حضرت فرمود: آری، بعضی کافران و تباهکاران، وضعشان چنین است ...

روایت‌های دیگری نیز در این باره وجود دارد که توجه به آن‌ها و توضیح و تفسیر آن‌ها

برای متریبان می‌تواند نقش مهمی در ترک اعمال ناشایست داشته باشد.

۵. صبر و مدارا

از دیگر روش‌های تربیت اخلاقی مهم در سیره امام رضا علیه السلام افزایش تحمل و بردباری است. صبر و مدارا در روند تربیت، جایگاه مهمی دارد؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را یکی از اصول و ارکان راهبردی تربیت دانست. اصالت و اهمیت صبر و تحمل در تربیت، به دلیل آن است که هر دو طرف تربیت؛ یعنی مربی و متربی باید خود را به رعایت آن متعهد بدانند. مربی باید با بردباری تمام، آنچه را که لازم است، به متربی بیاموزد و در صورت روبه‌رو شدن با دشواری‌هایی؛ مانند سختی در پذیرش، بی‌توجهی، بی‌حوصلگی و کسالت، تأثیرهای مخرب محیط و مانند آن، با صبر و بردباری به کارش ادامه دهد و از نتیجه، مأیوس نگردد. در مقابل، متربی نیز باید با بردباری به آنچه مربی از او می‌خواهد توجه کند و به آن‌ها عمل نماید و از سختی‌ها و ناملایمات نهراسد و در برابر خواهش‌های نفسانی، شکیباً باشد.

این مطالب را می‌توان از این سخن امام رضا علیه السلام برداشت کرد: «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ، وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ، وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكَيْثَمَانُ الْبَيْتِ، وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ، وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالصَّبْرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۲۴۱؛ ابن‌همام اسکافی، ۱۴۰۴: ۶۷)؛ مؤمن، مؤمن نیست، مگر اینکه سه ویژگی داشته باشد: سنتی از پروردگارش و سنتی از پیامبرش و سنتی از امامش. سنت از پروردگارش، پوشیده نگه داشتن سرش است و اما سنت از پیامبرش، مدارا نمودن با مردم می‌باشد، و اما سنت از امامش، صبر کردن در سختی‌ها و ناراحتی‌هاست.

در این روایت، مدارا با مردم و صبر در سختی‌ها به عنوان سنت‌های مورد توجه پیامبر و امام معرفی شده‌اند؛ از این رو، با توجه به معنای سنت می‌توان صبر و مدارا را از روش‌های

تربیتی به شمار آورد. با نگاهی به زندگی تربیتی پیامبران و امامان علیهم‌السلام خواهیم دید که در موارد زیادی، پیامبر یا امام با صبر و تحمل در برابر حتی دشمنان، باعث تغییر عقیده و رفتار آنان شده‌اند. افزون بر این، پیامبران و امامان علیهم‌السلام در زندگی خود نیز همواره دشواری‌ها را برمی‌تابیدند و به همین، سبب به نتیجه می‌رسیدند.

از آنجا که این روش را با عنوان برطرف‌کننده آورده‌ایم، مخاطب اصلی کسانی‌اند که رفتار اخلاقی مناسبی ندارند. این افراد، یعنی پدر و مادر و مربیان آن‌ها، نباید در انجام کارهای اصلاحی، خسته و ناامید شوند، بلکه می‌توانند با شکیبایی، به تغییر شرایط خود، بسیار امیدوار باشند. به همین دلیل است که امام رضا علیه‌السلام صبر را از گنجینه‌های خوبی دانسته است: «مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ إِخْفَاءُ الْعَمَلِ وَالصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا وَ كَيْتْمَانُ الْمَصَائِبِ» (امام هشتم علیه‌السلام، ۱۴۰۶: ۶۶؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۳۸/۲)؛ بعضی از گنجینه‌های نیکی عبارت است از: عمل پنهانی (و بدون خودنمایی)، شکیبایی در برابر سختی‌ها و پنهان نگه داشتن دشواری‌ها و سختی‌ها.

۶. امیدبخشی با تأکید بر توبه

روش مؤثر دیگر در تربیت اخلاقی مبتنی بر سیره امام رضا علیه‌السلام امیدبخشی با تکیه بر آموزه توبه است. یکی از مهم‌ترین دلایلی که بزهکاران و مجرمان به کارهای نادرست خود ادامه می‌دهند، ناامیدی از بازگشت و جبران گذشته می‌باشد. بسیاری از این افراد، در شرایط محیطی و تربیتی نامناسبی قرار داشته و با دشواری‌های متعددی در خانواده روبه‌رو بوده‌اند. آنان ممکن است گاهی به فکر ترک کارهای نادرست افتاده باشند، اما چون شرایط مناسبی برای بازگشت نداشته‌اند، چنین نکرده و به کارهای خود، ادامه داده‌اند. برخی نیز به سبب ترس از گرفتار شدن در دست قانون، فکر بازگشت را از سربیزون کرده‌اند. به همین دلیل، برای بسیاری، اگر شرایط بازگشت فراهم شود، دست از کارهای نادرست برمی‌دارند و زندگی شرافتمندانه‌ای را می‌آغازند.

با توجه به این مطالب، تأکید بسیار شریعت بر مسئله توبه و امیدواری به رحمت و بخشش خداوند متعال بهتر درک خواهد شد. در نگرش دینی، انسان‌ها همواره در معرض خطا و گناه قرار دارند و به دلایل مختلف، مرتکب خطا و گناه می‌شوند، اما خداوند متعال همواره راه توبه و بازگشت را به روی آنان باز گذاشته است و توبه واقعی هر کس را می‌پذیرد. بر اساس آموزه‌های دینی، ناامیدی و یأس از رحمت و مغفرت خداوند، خود گناهی بزرگ شمرده شده و در این باره، روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ الْكَبَائِرُ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَالْيَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/ ۲۸۰)؛ مسعدة بن صدقه می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: گناهان کبیره، نومیدی از رحمت خدا و ناامیدی از لطف خداست هر کس در هر مرحله‌ای می‌تواند خالصانه توبه کند و از کرده خود، پشیمان شود. این روش به خوبی می‌تواند ناامیدی و کارهای پس از آن از قبیل ارتکاب کارهای بدتر یا خودکشی را برطرف کند.

بنابراین، تأکید بر توبه‌پذیری خداوند متعال و امکان توبه برای همگان، روش مناسب تربیتی برای ترک اعمال غیر اخلاقی و انجام کارهای اخلاقی است؛ از این رو، این سخن امام رضا علیه السلام را که به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد، می‌توان در همین راستا معنا کرد: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَعْظَمُ مِنْ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ مُؤْمِنٍ تَائِبٍ أَوْ مُؤْمِنَةٍ تَائِبَةٍ» (امام هشتم علیه السلام، ۱۴۰۶: ۴۶)؛ مؤمن همچون فرشته مقرب است و حتی اجرو قریب بیشتر از فرشته مقرب می‌باشد. در نزد خداوند متعال، موجودی محبوب‌تر از مرد و زن توبه‌کار نیست.

نتیجه

اهمیت تربیت اخلاقی، تابع خود اخلاق است و در واقع قلمرو و اهمیت آن محدود به ارزش‌های اخلاقی می‌باشد. نکته مهم در این باره، آن است که تعیین و ارتقای وضعیت اخلاقی فرد و جامعه در گرو انتخاب و اعمال اصول و روش‌های مناسب می‌باشد. این

اصول و روش‌ها را بر اساس سیره امام رضا علیه السلام می‌توان به سه بخش زمینه‌ای، ایجاد و برطرف‌کننده تقسیم کرد. مقاله حاضر به تبیین اصول و روش‌های زدودن ناهنجاری‌های اخلاقی بر اساس سیره و سخنان حضرت رضا علیه السلام پرداخته است. در این مقاله، اصول و روش‌هایی؛ مانند: تأکید بر عقل‌گرایی و عقلانیت، توجه به اصل تأثیر وضعی اعمال و رفتار بر خود انسان، هشدار نسبت به پیامدهای نامطلوب رفتارهای غیر اخلاقی، به‌کارگیری قدرت بازدارندگی و اثرگذار مرگ، صبر و مدارا و امیدبخشی با تأکید بر توبه، از سیره امام رضا علیه السلام استنباط شده که به کارگیری آن‌ها می‌تواند نقش مؤثری در زدودن ناهنجاری‌های اخلاقی فرد و جامعه داشته باشد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، علی بن حسین، *الامامة والتبصرة من الحیره*، قم، مدرسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی*، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۴. _____، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۵. ابن مسکویه، احمد بن محمد، *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*، قم، بیدا، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۷. ابن همام اسکافی، محمد بن همام، *التمحیص*، قم، مدرسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۴۰۴ق.
۸. باقری، فریبرز، «مفهوم‌شناسی و کارکردهای هنجار»، *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، سال دوم، ش ۳، ۱۳۹۳ش.
۹. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، تصحیح جلال‌الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر، *فرهنگ دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، بی‌تا.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق - بیروت، دارالعلم - دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۲. سجادی، سیدمهدی، «رویکردها و روش‌های تربیت اخلاقی و ارزشی»، *پژوهش‌های فلسفی کلامی*، ش ۳، بهار ۱۳۷۹ش.

۱۳. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران، کتاب فروشی مرتضوی، تصحیح سیداحمد حسینی، ۱۴۱۶ ق.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. طوسی، محمد بن محمد، اخلاق ناصری، چاپ اول، تهران، علمیه اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. علوان، عبدالله ناصح، تریبۃ الاولاد فی الاسلام، قاهره، دار السلام، ۱۴۱۸ ق.
۱۷. علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، مشهد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۶ ق.
۱۸. ———، صحیفه الامام الرضا علیه السلام، تصحیح محمد مهدی نجف، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۱۹. علی زاده، مهدی و دیگران، اخلاق اسلامی، مبانی و مفاهیم، چاپ نهم، قم دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴ ش.
۲۰. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش.
۲۱. فیض کاشانی، محمد محسن، المحجة البيضاء فی تهنید الأحياء، چاپ چهارم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۴۲۶ ق.
۲۴. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.
۲۵. نیک گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه شناسی، تهران، رایزن، ۱۳۶۹ ش.
۲۶. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، قم، مکتبه فقهیه، ۱۴۱۰ ق.
۲۷. یالجن، مقداد، جوانب التریبۃ الاسلامیه الاساسیه، الطبعة الاولى، ریاض، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه، ۱۴۰۶ ق.